کرونا چه اثری بر جهان‌بینی جهادی گذاشت؟

حسن سعدآبادی
هسته مدیریت جهادی مرکز رشد دانشگاه امام‌صادق(ع)

مقدمه

این نوشته، از جنس مقاله‌های علمی نیست، بلکه از جنس یک دغدغه و تحلیل یک واقعه‌وپساواقعه از دیدگاه مدیریت جهادی به‌عنوان نظریه مبنا برای اداره انقلاب اسلامی مطرح شده است. این هم یک اصل بدیهی است که کلیات حرف‌هایی که به جنس جهاد ختم می‌شود، برای خیلی‌ها شاید تکراری باشد، ولی حداقل از باب تذکر «وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ» (ذاریات/۵۵) تکرار آن ضروری است.

۱- واژه‌شناسی بحث

۱-۱- فرصت؛ می‌توان در اینجا از تهدیدها هم صحبت کرد، اما نسبت فرصت‌ها و تهدیدها، متداخل است؛ به این معنا که در دل فرصت‌ها، تهدیدهای بیشماری است که فرصت‌سوزان آنها را بارها تجربه کرده‌اند و در دل تهدیدها هم فرصت‌های بسیار که فرصت‌سازان آن را بارها به چشم خود دیده‌اند. در این بحث، از زاویه «فرصت»(های) کرونایی به تبیین موضوع پرداخته‌ایم.

۲-۱- کرونا؛ در حال حاضر، ۲۰۱ کشور از ۲۰۵ کشور دنیا با موضوع کرونا درگیر شده‌اند. هجمه کرونا آن‌قدر سنگین بوده که در بسیاری از مناسبات عمیق و ریشه‌دار کشورها اعم از فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، انقلابی ایجاد کرده است. کشورهایی متهم به انتشار (عامدانه) کرونا در جهان هستند؛ چین آمریکا را متهم می‌کند و آمریکا چین را ... بیراه نیست اگر بگوییم جنگ جهانی کرونا شکل گرفته و کرونا (فارغ از اینکه انسان‌ساز است یا خیر) به جامعه انسانی حمله کرده است.

۳-۱- جهاد و مدیریت جهادی؛ بدون اینکه نیازی به اقامه دلیل باشد، همه قبول دارند که شرایط عادی نیست؛ امنیت و سلامت مردم مورد هجمه قرار گرفته و برخی تحلیل‌ها از بروز حوادث عجیب‌وغریب پسا کرونا خبر می‌دهند. شرایط، غیرعادی، فوق‌العاده و تا حدودی بحرانی است. همین که شرایط عادی نیست، فرض ضرورت کار جهادی و مدیریت جهادی را جدی می‌کند، هرچند برای به کار گیری واژه جهاد، نیاز به وجود مولفه‌های دیگری هم هست که در ادامه تبیین خواهد شد.

۲- زاویه بحث

از دو زاویه می‌شود به مساله کرونا نگاه کرد و به تحلیل آن پرداخت:

۱-۲- بلیه یا ابتلاء؛ بلیه به معنی آزار و رنج و سختی برای عموم جوامع است و بعضا نوعی مفهوم عذاب را در خود دارد. ابتلاء برای جامعه مومنان است، از ریشه «بلاء» و به معنی امتحان و آزمایش است. این واژه و مشتقات آن در قرآن کریم ۳۷ بار در ضمن ۳۴ آیه به کار رفته است. (موسوی‌نسب، ص۱۵)

براساس آیات قرآن، در ابتلائات، صلاحیت‌ها، استعدادها و کرامت‌های حقیقی انسان، خود را نشان می‌دهد[1]، عمل احسن مشخص می‌شود[2] و زمینه برای بازگشت او به خدا فراهم می‌شود.[3] ضمن اینکه ابتلائات معیار و میزان خوبی برای پاداش و کیفر است.[4] در ابتلائات، صبر بر بلا، شکر نعمت‌ها و توسل به خدا راهگشا بوده و هرچند وظایفی را به دوش مکلف بار می‌کند، ولی فرصت‌های بی‌نظیری برای رشد معنوی و بعضا حتی مادی انسان‌ها فراهم می‌آورد.

این از بدیهیات اعتقادی ماست که جلب رحمت الهی در ایام ظهور ابتلائات، ازطریق افزایش صله‌رحم و توجه به اطرافیان، مواسات و ... مسیری برای حل یا عبور سریع‌تر از بحران است.

۲-۲- جنگ یا بستر جنگ؛ این روزها حرف‌هایی از جنگ بیولوژیک زده می‌شود و البته ردیه‌هایی هم بر آن نوشته می‌شود، اما شواهد علمی و تاریخی وجود فرضیه بیوتروریسم و استفاده از جنگ‌افزارهای بیولوژیک را رد نمی‌کند؛ استفاده از طاعون به‌عنوان سلاح در جنگ‌های قرون وسطایی، توسعه آبله در میان بومیان در آغاز کشف قاره آمریکا، توسعه جنگ‌افزارهای بیولوژیکی در جریان جنگ جهانی اول، دوم و دوران جنگ سرد و حتی آغاز هزاره سوم، نشان از اهمیت استراتژیک قدرت میکروارگانیسم‌های بیماری‌زا، برای برتری‌جویی بعضی دولت‌ها و فرقه‌ها داشته و دارد. تلاش‌های تاریخی در استفاده از بیماری‌های عفونی به‌عنوان جنگ‌افزارهای بیولوژیکی نشان می‌دهد تمایز بین رخداد طبیعی اپیدمی یک بیماری عفونی و وقوع آن درنتیجه یک حمله بیولوژیکی عمدی، بسیار مشکل است و همین ویژگی، به کارگیری آن را برای اهداف برتری‌جویانه میسر می‌سازد.[5] خبر خطرناک وجود بیش از ۲۰۰ آزمایشگاه بیولوژیک آمریکایی در جهان و نیز اطراف ایران، هشداری جدی برای مسئولان کشور جهت تنظیم برنامه دفاعی متناسب برای مقابله بهنگام است.[6]

اما حتی اگر فرضیه بیوتروریسم قابل اثبات نباشد، سوابق قابل توجه و دلایل علمی، منطقی و عقلانی کافی برای ضرورت آمادگی و طراحی و انجام اقدامات مناسب در شرایط بحرانی و فوق‌العاده حاصل از کرونا وجود دارد. بحران‌هایی از جنس کرونا حتی اگر یک بلای انسان‌ساز نباشند، مسلما همیشه نقطه عطفی برای تحولات دنیا بوده‌اند و قدرت‌های دنیا از بستر بحران‌ها، تغییراتی جدی را رقم زده‌اند. جنگ جهانی دوم و تلاش برای ایجاد نظم جدیدی در جهان نمونه‌ای از همین ماجرا است.

۳- شرایط عادی نیست

از هر زاویه‌ای اعم از «ابتلاء یا جنگ» به مساله نگاه کنیم، شرایط عادی نیست. درحال حاضر و با تداوم بحران کرونا، علاوه‌بر سلامت مردم که نگرانی‌های زیادی برای جامعه ایجاد کرده، اقتصاد، اعتقاد و اخلاق عمومی مردم دچار مشکلات و معضلاتی شده و نوعی ناامنی در روابط اجتماعی عموم مردم احساس می‌شود.

نظام سلامت در کشور ما با حمایت ویژه مسئولان و همراهی قابل قبول مردم، توانسته با خسارت‌های ویرانگر در این حوزه، مقابله و تا حدودی آن را کنترل کند، اما تبعات اقتصادی کرونا که ممکن است باعث تشدید گرانی‌ها، بیکاری‌ها، رکود، تورم و... شود، تازه شروع شده است.

فرهنگ عمومی تعاملی مبتنی بر اعتماد مردم با یکدیگر، با شکاف عجیبی روبه‌رو شده و بخش قابل‌توجهی از ارتباطات آنها دچار اختلال جدی شده است. هرچند ابتکار رزمایش مواسات و ایجاد صحنه‌های زیبای همدلی و همراهی عمومی مردم در رسیدگی به سایر همنوعان مستضعف، علاوه‌بر حل اثربخش مشکلات نیازمندان در این ایام، بخشی از این مشکل فرهنگی-ارتباطاتی را نیز پوشش می‌دهد، ولی به‌نظر می‌رسد باز هم آثار سوء ناشی از نگرانی‌های کرونایی در فرهنگ عمومی اجتماع، تا مدت‌ها باقی خواهد ماند.

بستن حرم‌ها و مساجد و تعطیلی هیات‌ها و مجالس دعا و مناجات، علاوه‌بر سلب ظرفیت این مکان‌ها در تنظیم سلامت روحی مردم در این شرایط بحرانی و نیز ظرفیت کاهش بلای کرونا و سایر بلایای پیش‌رو[7]، باعث هجمه به مجموع اعتقادات مردم شده است. تشویق و تحریز همیشگی مردم برای استغاثه به اهل بیت (علیهم‌السلام) و برپایی توسلات تجمعی، این‌بار جای خود را به ماندن در خانه و عدم حضور در این مکان‌ها و برنامه‌ها برای جلوگیری از ابتلا به کرونا داده بود.

لذا از هر زاویه‌ای که به مساله نگاه کنیم، وضعیت عادی نیست و هجمه‌های سازمان‌یافته یا طبیعی ناشی از وضعیت موجود و تصمیمات متخذه درباره آن، به‌طور فزاینده‌ای وارد جامعه می‌شود.

ضمن اینکه اگر فرض کنیم نگاه دوم (جنگ کرونایی) جدی باشد، ضرورت دارد نسبت ما با آن روشن‌تر شود تا نسبت به آن بی‌تفاوت نباشیم و نقش خود را بهتر بازیابی کنیم.

۴- ملاحظات کار در شرایط غیرعادی

بدیهی است برای مقابله با شرایط غیرعادی، به کار غیرعادی یا کار فوق‌العاده نیاز داریم که با وجود دشمن و دشمنی‌ها (که در عرصه‌های مختلف اعم از اقتصاد، سلامت و اخلاق به وضوح وجود دارد) از آن به کار و مدیریت جهادی تعبیر و تبدیل می‌شود. در این حالت توجه به این نکات می‌تواند راهگشا باشد:

۱-۴- درواقع کار عادی، برای شرایط عادی می‌تواند به نتیجه قابل قبولی برسد، اما در شرایط غیرعادی و با ویژگی‌های عرض‌شده، کار جهادی واجب می‌شود. عمل جهادی، قدم در بابی است که «فتح‌الله لخاصه اولیائه» و در پی آن نصرت و امداد الهی نیز شامل خواهد شد.

هسته محوری داستان چمران‌ها، حسن باقری‌ها، عبدالله والی‌ها، حاج‌قاسم‌ها و کاظمی آشتیانی‌ها، عبور از همین کوره فرصت‌ها و ورود به عرصه جهاد است. مرحوم کاظمی آشتیانی می‌گفت: «می‌خواهم بگویم پرچمدار این مملکت جهاد است. والله‌العلی‌العظیم، مدیرعامل «رویان» خداست؛ ماها عمله خدا هستیم! به خدا قسم اینها را جدی می‌گویم. یک چیزهایی اتفاق می‌افتد که من اصلا عرضه این کارها را ندارم. قدوقواره من این چیزها نیست، ولی اتفاق می‌افتد.»

۲-۴- البته ممکن است ما دشمن و دشمنی‌ها را نادیده بگیریم و نسبت به آن تغافل کنیم، ولی بدیهی است که دشمن بیکار نخواهد نشست و دشمنی‌ها هم (تا پایان دنیا که جبهه کفر و جبهه حق در مقابل هم قرار دارند) تمام نخواهد شد؛ مَنْ نَامَ لَمْ يُنَمْ عَنْهُ (نهج‌البلاغه، نامه ۶۲)

۳-۴- وقتی جهاد واجب شد، ترک آن عواقبی بسیار خطرناک دارد که در بعضی از آیات و روایات به آن اشاره شده است:

■ هرکس آن را از باب بی‌اعتنایی ترک کند، اَلْبَسَهُ اللّهُ ثَوْبَ الذُّلِّ (خداوند بر او جامه ذلت بپوشاند) وَشَمْلَةَ الْبَلاءِ (غرق بلا کند)، وَدُيِّثَ بِالصَّغارِ وَالْقَماءَةِ (به ذلت و خواری و پستی گرفتار آید)، وَضُرِبَ عَلَى قَلْبِهِ بِالْاَسْهابِ (بر دلش پرده‌های بی‌عقلی زده شود)، وَاُديلَ الْحَقُّ مِنْهُ بِتَضْييعِ الْجِهادِ (در برابر ضایع کردن جهاد حق از او گرفته شود)، وَسيمَ الْخَسْفَ (محکوم به ذلت و خواری شود)، وَمُنِعَ النِّصْفَ (محروم از انصاف شود). (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۷)

■ در سوره مبارکه نحل با تعبیر «كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ» اشاره به افرادی می‌کند که قبلا ایمان داشته‌اند، ولی بعد کفران ورزیده یا کافر شده‌اند. از آنجا که کفران هم مراتبی دارد و حد اعلای آن ارتداد است، از این آیه می‌شود برای تبیین مفهوم «تعرب بعد الهجره»[8] و به قولی «تعرب بعد الجهاد» استفاده کرد. بنابراین کسانی که به آثار و ضرورت جهاد واقف شده‌اند و تکلیف آن را نیز دریافته‌اند، ولی بعدا از آن تخلف می‌کنند و نسبت به نعمت جهاد و حفظ اسلام کفران می‌ورزند، دچار «طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَسَمْعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» (نحل/۱۰۸) می‌شوند.

■ عقوبتی شبیه آیه قبل نیز در آیات ۷۳ تا ۹۳ سوره مبارکه توبه ترسیم شده است. پس از امر به جهاد «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ» در آیه ۷۳، دوبار در آیه ۸۷ «طُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ» و آیه ۹۳ «وَطَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» به بیان یکی از مهم‌ترین آثار منفی ترک جهاد و رضایت به همنشینی با متخلفان و نشستگان (در زمانی که جهاد واجب است) اشاره شده است.

۵- کرونا به مثابه جنگ یا زمینه جنگ و مواجهه

به‌هرحال کرونا به‌نوعی به ما حمله (سلامتی-رسانه‌ای) کرده و آثار شدیدی بر جامعه ما داشته است. برای حال یا «فعلا» کرونا نیاز به اقدامات و عملیات متناسب بوده و هست که شیوع آن با هوشیاری، آمادگی و هماهنگی افراد و دستگاه‌ها به‌نحو نسبتا خوبی (نسبت به وضعیت جهانی) تاکنون پیگیری و مدیریت شده است. فعالیت‌های حوزه سلامت و جلوگیری از توسعه بیماری و تلاش برای بهبود مبتلایان، طرح ایده راهبردی رزمایش مواسات و فعال شدن گسترده گروه‌های مختلف اجتماعی در سطح کشور برای پوشش آثار منفی اقتصادی کرونا بر نان شب مردم نیازمند، رعایت توصیه‌های بهداشتی توسط آحاد جامعه، حمایت‌های دولتی کوتاه‌مدت برای تامین نیازهای اولیه آسیب‌دیدگان و... نمونه‌هایی از اقدامات «فعلا» برای مقابله با کرونا و ترمیم آثار آن است.

اما لایه اصلی مقابله با کرونا، به نگاه استراتژیک و سیاستگذارانه در خصوص کرونا مربوط می‌شود. در این لایه مهم‌ترین مساله، فهم نقشه دشمن در ایجاد یا سوءاستفاده از بستر کرونا است تا براساس آن طراحی و سازماندهی مناسبی صورت پذیرد. بعضی گمانه‌زنی‌ها از اراده قدرت‌های دنیا در استقرار نظم نوین جهانی و برنامه‌ریزی برای حکمرانی مجازی صحبت کرده‌اند. برخی به قمار اقتصادی آمریکا برای جبران کاهش قیمت و حتی جلوگیری از حذف دلار در معاملات برخی کشورها اشاره کرده‌اند و برخی نیز به بازخوانی و افزایش سهم‌خواهی قدرت در دنیا پرداخته‌اند و تحلیل‌هایی در این خصوص ارائه داده‌اند.

مثلا به این تحلیل توجه کنید: چین در دهم دی‌ماه و ایران در ۳۰ دی‌ماه، اولین موارد مشکوک به کرونا را گزارش کرده‌اند. شاخص‌های بازار سرمایه اعم از شاخص داوجونز (اقلام برتر بورس نیویورک)، شاخص نزدک و شاخص فوتسی (بورس لندن) در فاصله اعلام چین تا ۳۰ بهمن روندی معمولی (حتی بعضا با شیب رشد کم) را طی می‌کنند[9] ولی بعد از ۳۰ بهمن به‌صورت ناگهانی، سقوط‌های ۱۹ تا ۲۳ درصدی را تجربه می‌کنند. شروع کاهش قیمت نفت با اعلام کرونا در چین شروع می‌شود، ولی بعد از اعلام کرونا در ایران و بعد اروپا، به‌طور شدیدی سقوط می‌کند. اما نرخ دلار که پس از اعلام چین شروع به کاهش قابل توجهی کرده و تا ۳۰ بهمن به حداقل نرخ خود در یک سال گذشته رسیده بود، به‌صورت ناگهانی و پس از اعلام ایران (با وجود آنکه در سال‌های اخیر به‌دلیل تحریم‌ها سهم رسمی در فروش نفت ندارد) روند افزایشی پرسرعتی به‌خود می‌گیرد. (مقصودی و سعیدی، ۱۳۹۹) در این فرض تحلیلی (که دور از واقعیت هم نیست)، برنده این ماجرا کیست و آیا این اتفاقات به‌خودی خود و اتفاقی شکل می‌گیرد؟

مثال دیگر، توجه به نقش سازمان بهداشت جهانی است. به‌طور کلی درمورد نقش سازمان‌های بین‌المللی در تکمیل نقشه کلی مدیریت دنیا، حرف‌های زیادی نقل می‌شود که بررسی میزان دقت و صحت آن از توان این مقاله و این نگارنده بیرون است، اما آیا این اطلاعات برای شما عجیب نیست؟ طبق آمار سازمان بهداشت جهانی، تعداد مبتلایان به مالاریا در سال ۲۰۱۷ حدود ۲۳۱ میلیون مورد و در سال ۲۰۱۸ حدود ۲۲۸ میلیون مورد در جهان بوده است. تخمین مرگ‌ومیر سالیانه حدود ۴۰۵ هزار نفر است که ۶۷ درصد آن مربوط به کودکان می‌شود.[10] در سال ۲۰۱۷ حدود سه تا پنج میلیون نفر به آنفلوآنزای فصلی مبتلا شده‌اند و حدودا ۶۵۰ هزار نفر بر اثر آن، جان خود را از دست داده‌اند. در این سال، فقط در آمریکا حدود ۶۱ هزار نفر مرگ‌ومیر بر اثر آنفلوآنزا ثبت شده است.

بر اساس آمار IDF، در هر هفت ثانیه، یک نفر جان خود را بر اثر دیابت از دست می‌دهد و ۵۰ درصد از این مرگ‌ها (در کل چهار میلیون نفر در سال) در افراد کمتر از ۶۰ سال اتفاق می‌افتد. درحال حاضر حدود ۴۶۳ میلیون نفر دیابتی در سطح دنیا شناسایی شده‌اند و هرچند این بیماری، واگیردار نیست، ولی روند ابتلا و مرگ ناشی از آن روبه افزایش است. ولی آیا تابه‌حال شنیده‌اید که شیرینی‌فروشی‌ای در دنیا به این دلیل تعطیل یا حتی محدود شود؟

در سال ۲۰۱۶ در حدود سه میلیون مورد مرگ در اثر مصرف الکل (۵/۳ درصد کل مرگ‌های دنیا) گزارش شده، به‌طوری که ۷/۲ درصد مرگ‌های زودرس مربوط به مصرف الکل و ۱۳/۲ درصد مرگ‌های افراد ۲۰ تا ۴۰ ساله ناشی از مصرف الکل بوده است. (حریرچی، ۱۳۹۷/۰۷/۰۹) اما هنوز هم هیچ مشروب‌فروشی‌ای در دنیا تعطیل نمی‌شود و هیچ سازمان جهانی، هیچ برنامه‌ای برای مقابل با این ماده کشنده ارائه نکرده است.

باز هم مثال‌های دیگری از این دست می‌توان از نظر گذراند. اما به‌هرحال، به‌قول نظامی‌ها، برآورد درست از امکانات و توانایی‌های واقعی و عملی خودی، زمین و دشمن، امکان طرح‌ریزی طرح مانورهای قابل تحقق و البته منعطف را فراهم می‌کند (جعفری، ۱۳۹۴، ص ۵۰۳) بدون شناخت زمین بازی و بدون رصد دقیق تحرکات دشمن و مدعیان حاکمیت در دنیا، امکان طراحی قدم‌های بعدی برای ساخت مستحکم یک کشور قدرتمند مستقل و حرکت به‌سمت تحقق تمدن اسلامی وجود نخواهد داشت. رصد دقیق حوادث، اتفاقات و ماجراها در دنیا و تحلیل ابعاد مختلف آنها، نقش مهمی در تعیین درست راهبرد مقابله، مواجهه و تهاجم و تعیین جایگاه آینده کشور خواهد داشت. اصرار این نوشته بر این نیست که به‌قول برخی، «توهم توطئه!» دامن بزند، ولی بخواهیم یا نخواهیم، انقلاب خمینی کبیر، تعادل نظم جهانی مستکبران را برهم زده و برای هر انسان عاقلی، بدیهی است که مدعیان مدیریت دهکده جهانی، از هر فرصتی برای سرنگونی این عامل بی‌نظمی در تمدن مادی آنها (یعنی انقلاب اسلامی) نهایت استفاده را ببرند. از این رو «ساده‌انگاری» در خصوص رفتارهای دشمنانه و نداشتن استراتژی فعال در این زمینه، حتما به تحقیر تمدنی منتهی خواهد شد و عواقب آن، علاوه‌بر آثار کنونی، در طول یک دوره تاریخی به‌خوبی قابل مشاهده بوده و خواهد بود.

خلاصه آنکه برای مواجهه فعال با کرونا توجه به این دو بخش به‌صورت توأمان لازم است: الف) رصد فعالیت‌های جهانی و تدبیر استراتژی مواجهه و مقابله، و ب) برنامه‌ریزی برای استفاده فعال از بستر بحران جهانی ایجادشده برای صدور و استقرار اهداف انقلاب اسلامی در جهان. مطالعه (علمی و عملی) بحران‌ها در دنیا نشان می‌دهد بحران‌ها، فرصت‌های بزرگی در ایجاد جهش‌های بزرگ تاریخی و حتی سرنوشت‌ساز دنیا فراهم می‌آورند. درست است که ما در این ایام با اقتضائات جدیدی روبه‌رو شده‌ایم و بعضی از معادلات حاکم بر اداره جامعه جابه‌جا شده است، ولی فرصتی هم ایجاد شده که امکان مواجهه فعال با کرونا و تحقق سریع‌تر آرمان‌های انقلاب اسلامی در گام دوم را تسریع کنیم.

۶- مسائل کرونا؛ نمونه‌هایی از عوارض کرونا

بخشی از تدوین نقشه مقابله و مواجهه و مهاجمه کرونایی، شناخت مسائل مهم و اثرگذار ناشی از کروناست. درواقع شناخت و احصای درست این مسائل می‌تواند هم به فهم نقشه دشمن کمک کند و هم به تدبیر برای حل مسائل. البته در اینجا قصد احصای این مسائل را نداریم، ولی نمونه‌هایی از باب مثال بیان می‌شود:

■ شاید شما هم رصد کرده باشید که در این روزها کشورهای حوزه مقاومت با فشارهایی روبه‌رو هستند. رژیم صهیونیستی مرتب به سوریه و برخی نقاط حساس آن کشور حمله می‌کند و در رسانه‌های عمومی، برای تنظیم افکار عمومی صهیونیست‌ها، از خود تصویر یک فاتح (خیالی) را ارائه می‌دهد، ولی سوریه از درگیر شدن با آنها اجتناب می‌کند. یمنی‌ها مثلا در آتش‌بس هستند، اما در این ماه‌ها از سوی ائتلاف سعودی، بیش از ۱۰۰ مرتبه بمباران شده‌اند، پاسخی به آنها نداده‌اند و خویشتنداری کرده‌اند. به زعم نگارنده، یکی از مسائلی که دست سوریه و یمن در پاسخ به تجاوزات را بیشتر بسته، همین موضوع کروناست؛ به‌دلیل ضعف نظام بهداشتی در اثر عوارض جنگی و تحریم، مجبورند حداکثر توان را برای مقابله با عوارض سلامتی-اجتماعی مردم‌شان بگذارند و از مقابله مستقیم پرهیز کنند. وضعیت روحی و روانی و افکار عمومی مردم هم امکان همراهی با این موضوع را ندارد.

■ همان‌طور که قبلا اشاره شد، اخلاق تعاملی مردم در کشورمان و بسیاری از کشورهای مسلمان لطمه دیده است. ابراز محبت مردم به یکدیگر، صله‌رحم و بسیاری از مفاهیم دچار اختلال شده است. قبلا به مردم درباره اثر صله‌رحم بر طول عمر و سلامتی بیشتر گفته بودیم و امروز تشویق می‌کنیم که از ترس احتمالی ابتلا به کرونا درها را روی یکدیگر ببندند. در این میان، تکلیف این روایت برای عموم مردم، چه می‌شود؟ امام‌رضا(ع): يَكُونُ الرَّجُلُ يَصِلُ رَحِمَهُ فَيَكُونُ قَدْ بَقِيَ مِنْ عُمُرِهِ ثَلَاثُ سِنِينَ فَيُصَيِّرُهَا اللَّهُ ثَلَاثِينَ سَنَةً ...؛ چه‌بسا مردی که سه سال از عمرش بیش نمانده، ولی صله‌رحم به‌جا آورد و خدا به‌خاطر این کار، عمرش را به ۳۰ سال افزایش دهد و خدا آنچه را می‌خواهد انجام می‌دهد. (الکافی، ج ۲، ص ۱۵۰)

یا مثلا در روایتی از امام صادق(ع) آمده است که فی سُؤْرِ الْمُؤْمِنِ شِفَاءٌ مِنْ سَبْعِينَ دَاءً؛ در نیم‌خورده مومن شفا از ۷۰ بیماری است (ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ج۱، ص ۱۵۱). ولی هجمه کرونایی آن‌قدر سنگین بوده که مردم از یکدیگر می‌ترسند و سور مومن که جای خود دارد، از دست یکدیگر هم به‌سختی چیزی می‌گیرند، با اینکه هیچ‌کدام نشانه‌ای از آلودگی به کرونا را هم لزوما ندارند و با رعایت موازین بهداشتی می‌تواند ارتباطات مومنانه با یکدیگر را حفظ کنند.

■ ما در هر مصیبتی دست به دامان اهل بیت(ع) می‌شدیم و برپایی مجالس و تشکیل اجتماعات پرشور استغاثه و روضه، راهی برای حل مشکلات خود و اطراف‌مان بود. اما الان خبری از روضه‌های دسته‌جمعی نیست و نهایتا به تصاویر مجازی از مجالس اکتفا می‌کنیم (که طبیعتا نمی‌تواند خیلی از افراد را با خود همراه و فضای هم‌افزایی مجالس را فراهم کند) سرآمد این جلسات، برنامه‌های شب‌های قدر است که به‌طور جدی تحت‌تاثیر این موضوع قرار گرفته است. قصه و غصه بزرگ‌تر به مجالس محرم مربوط می‌شود که ممکن است آثار کرونا آن را هم حذف یا محدود کند. حرم‌های اهل بیت(ع) هم در هر بلا و مصیبت، پناهگاه اصلی مردم بوده، ولی نسخه‌های تجویزی این روزها، صلاح و سلامتی مردم را در بستن در حرم‌ها دیده است.

البته در این نوشته قصد تعرض به تصمیمات ستاد ملی کرونا را ندارم، ولی شاید نگاه دقیق‌تر و همه‌جانبه‌تر به همه مسائل و ظرفیت‌ها، می‌توانست از ایجاد مشکلات جدید جلوگیری کند یا برخی از آن چیزهایی را که تهدید پنداشته شده، به فرصت تبدیل کند؛ فرصت‌هایی که نسخه‌های جهانی فهمی از آنها ندارند و از الطاف ویژه الهی به پیروان اهل بیت(ع) است.[11]

به‌هرحال آنچه مسلم است، ستاد ملی کرونا که تاکنون همه حمایت‌ها و تقویت‌های لازم از طرف مسئولان عالی نظام، رسانه‌های داخلی و مردم را داشته، از همه ظرفیت‌ها (که البته کار پرزحمتی است) برای رسیدن به تصمیم درست‌تر استفاده نکرده و با نیت صادقانه برای حفظ سلامتی جسم مردم (که تخصص پزشکان و مسئولین فعلی ستاد ملی مقابله با کروناست)، متاسفانه حفظ سایر سلامتی‌های حیاتی روحی و اعتقادی آحاد جامعه را به اندازه کافی درنظر نگرفته است.

■ برخی فعالیت‌های دینی-اجتماعی مثل راهپیمایی روز قدس، نماز عید فطر و راهپیمایی اربعین از ظرفیت‌های بزرگ قدرت‌نمایی جامعه شیعی و مسلمانان است که عملا سرنوشت آنها در هاله‌ای از ابهام است و کرونا (یا عوامل پشت‌پرده آن!) ممکن است بتوانند این نمایش قدرت اسلام را مهار کنند.

■ گفته می‌شود کاهش ارتباطات تجاری کشورها با یکدیگر و امکان طولانی شدن محدودیت‌های کرونایی، ممکن است بعضی کشورها را در تامین مواد غذایی با مشکل روبه‌رو کند؛ حتی تحلیل‌هایی از امکان وقوع قحطی در برخی مناطق دنیا گزارش شده است. هرچند دولت ایران از عدم نگرانی در این خصوص خبر داده و بافت دینی و بومی عموم مردم در کشور نیز از فرهنگ احتکار دور و به فرهنگ مواسات در مواقع بحران نزدیک است، ولی حجم فشار تبلیغاتی مدیریت‌نشده به مردم در بلندمدت (با هدف مدیریت بیماری) در کنار امکان طراحی عملیات‌های خرابکارانه فرهنگی-اجتماعی از سوی معاندان در بستر کرونا برای تخریب آرامش موجود، می‌تواند سرنوشت دیگری را رقم بزند.

۷- اقتضائات جنگ کرونایی

مقابله با عوارض کرونا، نیاز به کار جدی دارد و با پرسه‌زنی‌های عادی، علمی و شبه‌علمی کاری از پیش نخواهد رفت. موفقیت در این جنگ بعد از پذیرش مبنای فرهنگ جهادی در این حوزه، نیاز دارد به:

■ تشکیل جبهه برای افزایش هم‌افزایی و پیشروی ماموریتی؛ آفت بسیاری از کارها، ابتر بودن آنهاست و ابتر بودن کارها هم عموما ناشی از نبود نیروهای پای کار، نشناختن انرژی‌های فعال در آن حوزه یا نداشتن ارتباط و انسجام تشکیلاتی با یکدیگر است. در مقابل جبهه دشمن، نیاز به هوشمندی در شناسایی و کار دشتبان داریم؛ با کار انفرادی در غارهای تنهایی، کاری از پیش نخواهد رفت.

■ بار معنوی مبنا؛ فعالان جبهه مقابله با جنگ‌های جدید، مانند رزمندگان دفاع مقدس و مدافعان حرم نیاز دارند به بار معنوی مبنا تا در سایش حوادث و سختی‌ها، کم نیاورند و زمینه را برای جلب امدادهای الهی بیشتر فراهم کنند.

■ نقشه و کالک عملیاتی؛ هم برای مواجهه دفاعی و هم برای مواجهه فعال با موضوع کرونا لازم است. با فرض تشکیل جبهه و ایجاد قرارگاه‌های راهبردی و عملیاتی، داشتن نقشه و کالک عملیاتی، یک ضرورت اولیه است و بدون آن اغلب، سرگردانی نصیب افراد خواهد بود و انرژی‌هایشان هدر خواهد رفت. به قول شهید حسن باقری، «آنچه نیروها را خسته می‌کند، کار زیاد نیست، بلکه بی‌برنامگی و گیجی است» و بدیهی است که نقشه داشتن، گام مهمی برای برون‌رفت از این حالت است.

۸- حرف آخر

پیشروی انقلاب اسلامی در مرزهای تمدنی و عبور از ۴۰ سالگی، قطعا به حساسیت بیشتر جبهه کفر و تلاش بیشتر برای مقابله و دشمنی با انقلاب اسلامی منجر شده است. هر طراحی احتمالی از سمت دشمن، نباید غیرممکن انگاشته شود و دایره «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (در همه ظرفیت‌های علمی و اجرایی نظامی، دولتی و مردمی) باید توسعه پیدا کند تا هم آمادگی مقابله وجود داشته باشد و هم «تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ» (انفال/۶۰) تحقق پیدا کند. داستان‌هایی مثل کرونا و امثال آن، فرصت‌هایی است برای تعیین جبهه و موقعیت در پیچیدگی‌های آخرالزمانی دنیا. کسانی که این بارقه‌هایی از این جنگ را درک کرده‌اند، مسئولند و به اندازه فهم خود، زمینه برای رشد یا سقوط را فراهم می‌کنند. درواقع حکم اینان از حکم قاعدین جدا می‌شود یا در صف مجاهدین قرار می‌گیرند یا در صف متخلفان از جهاد! مجاهدان جنگ را جدی می‌گیرند و ماموریت‌هایشان را براساس جنگ با اولیای کفر و طاغوت و مستکبران عالم برنامه‌ریزی می‌کنند. همه تلاش‌شان را در آن مسیر به کار می‌گیرند و پس از خرج همه ظرفیت‌ها مضطر می‌شوند، متوسل می‌شوند و به لطف خدا، وسع‌شان افزایش پیدا می‌کند و مسئولیت بیشتری در جبهه حق برعهده می‌گیرند. متخلفان هم در حیرت و گیجی (تیه) به سر می‌برند، حتی ممکن است دچار عقبگرد شوند و نهایتا دچار ناشکری و کفران خواهند شد، الا اینکه خدا به آنها رحم کند.

منابع:

۱- قرآن کریم
۲- نهج‌البلاغه
۳- ابن‌بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۴) ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم: الشریف الرضی
۴- جعفری، محمدعلی (۱۳۹۴) کالک‌های خاکی، تهران: انتشارات سوره مهر، چاپ چهارم
۵- زارع، بیدکی و بلالی مود، مهدی (۱۳۹۴) بیوتروریسم و جنگ‌افزارهای بیولوژیک، از گذشته تا امروز: یک مطالعه مروری کلاسیک، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، دوره ۲۲، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۴، صص ۱۹۸-۱۸۲
۶- زمانیان، محمدعلی (۱۳۹۸) داستان رویانا: تاریخ شفاهی دکتر سعید کاظمی آشتیانی در پژوهشگاه رویان
۷- قاسمیان، غلامرضا (۱۳۹۷) ماشین حساب‌ها درست کار نمی‌کنند، فصلنامه مدیریت جهادی، شماره ۱، صص ۶۳-۵۸
۸- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق.)، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، جلد دوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه
۹- مقصودی، حمید و سعیدی، علی (۱۳۹۹) گزارش حکمرانی اقتصادی در مواجهه با پدیده کرونا، قم: موسسه احیاگران مسیر قصد
۱۰- موسوی‌نسب، سید جعفر (۱۳۸۵) ابتلاء و آزمایش انسان در قرآن، چاپ اول
۱۱- https://www.who.int/news-room/feature-stories/detail/world-malaria-report-2019 گزارش سازمان بهداشت جهانی درباره مالاریا
۱۲- https://www.isna.ir/news/97070905079 مصاحبه ایرج حریرچی (معاون وزیر بهداشت)

پی‌نوشت:

۱- وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّى نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَنَبْلُوَ أَخْبَارَكُمْ (محمد/۳۱)، وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ (عنکبوت/۳)؛ وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (آل عمران/۱۵۴)
۲- الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ (ملک/۲)
۳- وَبَلَوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (اعراف/۱۶۸)
۴- حضرت امیرالمومنین(ع) می‌فرماید: گرچه خداوند به روحیات بندگانش از خودشان آگاه‌تر است، ولی آنها را امتحان می‌کند تا کارهای خوب و بد که معیار پاداش و کیفر است، از آنها ظاهر گردد. (نهج‌البلاغه، قصار/۹۳)
۵- برای مطالعه بیشتر ر.ک.: زارع و بلالی مود، ۱۳۹۴
۶- برای مطالعه نامه ر.ک: نامه بیش از ۱۰۰ نفر از متخصصان ریه، بیماری‌های عفونی، ویروس‌شناسی و... به روسای کشورهای منطقه برای مقابله با حملات بیولوژیک، خبرگزاری تسنیم، ۲۹ اسفند ۱۳۹۸ https://tn.ai/2226792
۷- حضرت امام سجاد(ع): اَلدُّعاءُ یَدْفَعُ الْبَلاءَ النّازِلَ وَ ما لَمْ یَنْزِلْ (الکافی، ج۲، ص۴۶۹)
۸- برای مطالعه بیشتر، ر.ک: (قاسمیان، ۱۳۹۷)
۹- تا این تاریخ (حدفاصل دهم تا سی ام دی‌ماه)، کرونا در حدود ۱۹ کشور اعم از ایالات‌متحده، آلمان، فرانسه، کره‌جنوبی، هند و... مشاهده شده بوده است.
۱۰- ر.ک: گزارش مالاریا در تارنمای سازمان بهداشت جهانی
۱۱- حجت‌الاسلام مروی، تولیت آستان قدس رضوی نیز اخیرا گلایه کرده بودند که «در دلسوزی مسئولان هیچ تردید نداریم، اما از مسئولان محترم درخواست داریم به نظرات آستان‌های مقدس نیز توجه داشته باشند، اعتاب مقدسه پیچیدگی‌ها و ظرافت‌هایی دارد که آنهایی که در این اماکن مقدسه خدمت نکرده و حضور فعال نداشته‌اند به آن پیچیدگی‌ها آشنایی ندارند، قطعا تصمیم درست زمانی اتخاذ می‌شود که نظرات اعتاب مقدسه نیز در این تصمیم‌گیری‌ها موثر باشد. ما نمی‌گوییم دستورالعملی را که توسط اعتاب مقدسه تدوین شده است، تصویب کنید، کارشناس این امر شما هستید اما کارشناس حرم‌های مطهر ما هستیم، تصمیم نهایی با شماست اما از نظرات ما استفاده کنید یا حداقل آنها را بشنوید، تا بتوانیم غصه از دل میلیون‌ها محبت اهل بیت(ع) برداریم.» (۱۳۹۹/۰۲/۲۲، آیین نام‌گذاری صحن امام حسن مجتبی(ع))

به بهانه ششمین سال ابلاغ سیاست‌های کلی جمعیت از سوی رهبر معظم انقلاب

سیاست تحدید نسل خطری بزرگ‌تر از جنگ و تحریم

ادامه از صفحه یک

با این تمهیدات کاهش جمعیت در ایران طی سال‌های دولت سازندگی و اصلاحات به‌قدری سرعت گرفت که تعجب و تعریف و تمجید غربی‌ها را برانگیخت. نشریه استرالیایی گیزمودو در تمجید سیاست‌های دولت سازندگی و اصلاحات در کاهش جمعیت می‌افزاید: «نمی‌دانیم در آینده چه اتفاقی می‌افتد، اما ما شواهدی داریم که در یک نسل، کشوری بزرگ و مذهبی مانند ایران قادر شد نرخ رشد جمعیت را پایین بیاورد. برنامه با شعار «یک فرزند خوب است، دو فرزند کافی است» آغاز شد. وعاظ در مساجد درباره آن سخن گفتند.»

این گزارش در پایان، طرح کاهش جمعیت را الگوی مطلوبی برای دیگر کشورها معرفی کرده و می‌نویسد: «اگر می‌خواهیم از یک بحران اقلیمی با پایین آوردن جمعیت جهان پرهیز کنیم، شاهد خوبی داریم که این کار می‌تواند بدون ارعاب انجام گیرد.»

پشت این همه کمک‌های جهانی چه سیاستی نهفته است؟

در دهه ۷۰ میلادی دولت آمریکا بررسی‌هایی درباره چشم‌اندازهای جمعیتی در جهان انجام داد و به این نتیجه رسید که هرچه جمعیت کشورهای دیگر در آینده کمتر باشد، به نفع آمریکا خواهد بود؛ یک استراتژی بلندمدت برای حفظ برتری.

در اسناد به‌جامانده از این بررسی‌ها که بعدها فاش شد، افزایش جمعیت کشورهای درحال توسعه عاملی بود که دسترسی آمریکا به منابع معدنی و زیرزمینی آن کشورها را در آینده کاهش می‌داد یا حتی ناممکن می‌ساخت. آمریکایی‌ها از همان موقع شروع کردند به تبلیغات جهانی برای کاهش جمعیت؛ بهانه هم این بود که در کشورهای فقیر و درحال توسعه، زیادی جمعیت و افزایش آن در آینده یک مشکل بزرگ برای مردم آن کشورها خواهد بود و از نظر معیشت و رفاه یک بحران جدی ایجاد خواهد کرد. آمارهای ساختگی و نادرست از بحران قریب‌الوقوع «انفجار جمعیت» هم ارائه شد و ترس‌های بزرگ ایجاد کرد. به‌تدریج دولتمردان و مردم کشورهای فقیر و درحال توسعه متقاعد شدند که کاهش جمعیت یک راه‌حل ضروری است؛ به همین سادگی.

برژینسکی، استراتژیست آمریکایی به صراحت می‌گوید: «برای نابودی ایران لازم نیست به تاسیسات هسته‌ای ایران حمله کنید، چراکه تغییرات جمعیتی ایران علیه حکومت است و با کمی صبر خود مشکلات را حل می‌کند.» این دست اظهارات نشان می‌دهد چقدر سیاست‌های کنترل جمعیت مشکوک‌اند و چه برنامه‌ریزی‌هایی برای تحدید نسل در کشور اسلامی ایران وجود دارد و اهمیت مقابله با این سیاست را بیش از پیش روشن می‌سازد. در این راستا چند نکته قابل‌توجه است:

۱- ساموئل هانتینگتون نظریه‌پرداز غربی درباره جمعیت کشورهای اسلامی می‌گوید: «یکی از مشکلات ما درمقابل کشورهای مسلمان، زادوولد زیاد در این کشورهاست؛ جنبش‌های اجتماعی را آنها به وجود می‌آورند. بنابراین تا چند سال دیگر که ما کشورهای غربی افت جمعیتی خواهیم داشت، این برای ما یک تهدید بزرگ است.» این سخنان نشان‌دهنده هراس فوق‌العاده تحلیلگران غربی از جمعیت جوان کشورهای اسلامی و به‌ویژه ایران است.

۲- هنری کیسینجر، وزیرخارجه اسبق آمریکا در سال ۱۹۷۸ (پنج سال بعد از دریافت جایزه صلح نوبل) می‌گوید: «سیاست آمریکا درقبال کشورهای جهان سوم، باید سیاست جمعیت‌زدایی باشد.» در زمان وی پروژه مطالعاتی درباره تاثیر روند رشد جمعیت جهانی بر امنیت ملی آمریکا انجام شد. این پروژه، روند فزاینده رشد جمعیت جهانی را برخلاف امنیت ملی آمریکا دانسته و چگونگی همکاری سازمان‌های بین‌المللی و روش ترغیب اقناع رهبران کشورهای موردنظر را برای کاهش روند رشد جمعیت تبیین می‌کند.

۳- کتاب «بمب جمعیت» نوشته پائول ارلیش در سال ۱۹۶۸ انتشار یافت، ارلیش از دولت آمریکا می‌خواهد هم در داخل کشور و هم در کشورهای جهان سوم، سیاست‌هایی را برای کاهش نرخ رشد بشر اتخاذ کند. ناگفته نماند که جان هولدرن، مشاور علمی اوباما از شاگردان و همکاران ارلیش است.

۴- شرکت‌های صهیونیستی راکفلر و گیتز که در سال‌های اخیر نقش پیشتازی را در تسریع این سیاست‌ها برعهده گرفته‌اند، درتلاش هستند در پوشش انجام فعالیت‌های خیرخواهانه در پوشش دارو و واکسیناسیون در روند کاهش رشد جوامع تاثیرات جبران‌ناپذیری را بگذارند.

۵- راکفلر که یکی از افراد کلیدی در زمینه سیاست‌های جهانی‌سازی و تشکیل «دولت واحد جهانی» است، در کتاب خاطرات خود می‌نویسد: «برخی می‌گویند من در سراسر دنیا توطئه کرده‌ام تا ساختار سیاسی دنیا را یکپارچه کنم و به‌عبارتی یک «دنیای واحد» بسازم. اگر اتهام من این است، اعتراف می‌کنم که این اتهام صحت دارد و من به آن افتخار می‌کنم.»

۶- اولین قرارداد پژوهشی بین ارتش آمریکا و دانشگاه هاپکینز در سال ۱۹۴۸ منجر به تاسیس یک رشته دانشگاهی با عنوان (ارتباطات سلامت عمومی) با هدف اجرای یک برنامه مدون برای کنترل و کاهش جمعیت کشورهای کمتر توسعه‌یافته به‌خصوص کشورهای اسلامی شد.

۷- بسیاری از تلاش‌ها جهت کاهش جمعیت، براساس این منطق صورت می‌گیرد که منابع طبیعی در دنیا درحال تمام شدن است و افزایش جمعیت، این روند را تسریع و درنتیجه، بشریت را با خطر انقراض مواجه می‌کند. ازجمله اقداماتی که برای توجیه این نظریه صورت گرفته است، انتشار کتاب «اولین انقلاب جهانی» توسط اندیشکده بین‌المللی باشگاه رم در سال ۱۹۹۱ بود.

۸- طبق اسناد منتشرشده از سوی پنتاگون برنامه‌هایی که کلیه آژانس‌های سازمان ملل (UN) در سطح جهان در کشورهای دیگر اجرا می‌کنند، به‌عنوان عملیات دفاعی و نظامی ارتش آمریکاست و سازمان‌ها و مراکز مهم بین‌المللی و آژانس‌های سازمان ملل ازجمله صندوق جمعیت سازمان ملل و سازمان بهداشت جهانی از دکترین امنیت ملی آمریکا تبعیت می‌کنند، زیرا رشد جمعیت جهان برخلاف امنیت ملی آمریکا تعریف شده است.

رهبر معظم انقلاب مانند دیدبانی تیزبین این دشمنی‌ها را می‌بینند و فریاد برمی‌آورند و خطر را گوشزد می‌کنند. سال‌ها به مسئولان تذکر می‌دهند و بعد از مشاهده بی‌عملی تذکرات و هشدارها را علنی می‌کنند. سیاست‌های کلی جمعیت را ابلاغ می‌کنند. اما در عمل اتفاقی نمی‌افتد. از طرحی که مجلس درراستای این سیاست آماده کرده بود (طرح جامع «جمعیت و تعالی خانواده») هیچ خبری نیست و در کمیسیون‌های مجلس خاک می‌خورد. توجیه برخی نمایندگان مجلس این است که عمده چالش‌ها درباره این طرح به چالش‌های مالی معطوف می‌شود و تا زمانی که دولت بار مالی آن را متقبل نشود، مجال و امکان طرح وجود ندارد. در اقدامات دولت هم کمتر راهکاری برای کاهش سن ازدواج و جلوگیری از وقوع طلاق‌های زودرس در میان زوج‌های جوان ارائه می‌شود و هم کمتر خبری از مشوق‌های فرزندآوری وجود دارد. گاهی هم کاملا برخلاف سیاست‌های جمعیتی نظام، در طرح‌هایی مثل اعطای یارانه بنزین هم رسما یارانه خانواده‌های سه‌فرزندی را کاهش می‌دهد.

با تاسف بسیار این دغدغه رهبری هم سال ششم ابلاغ قانونی خود را به پایان رساند و جمعیت ایران با سرعت به‌سمت سالمندی پیش می‌رود. درحال حاضر براساس آمار سرشماری سال ۹۵ سهم میانسالان از کل جمعیت به ۴۴/۸ درصد رسیده و نمود این واقعیت است که حدود ۵۱ درصد از کل جمعیت کشور را میانسالان و سالمندان تشکیل می‌دهند. ایران با نرخ رشد جمعیت فعلی که حدود ۱/۲۴ درصد است در سال ۱۴۶۰ جمعیتی ۴۶ میلیون نفری خواهد داشت که بیش از نیمی از آن سالمند است! در سال ۱۴۸۰ هم جمعیت به ۳۱ میلیون خواهد رسید، بازهم با نیمی سالمند. درواقع فقط وقتی بلندمدت و استراتژیک نگاه می‌کنیم که بحران کاهش جمعیت خودش را نشان می‌دهد.

باید دولت و مجلس به خود بیایند و از نابودی سرمایه انسانی کشور جلوگیری کنند. مجلس فشل دهم که به پایان رسید، توقع داریم مجلس جدید طرح جمعیت را از کمیسیون‌ها بیرون بکشد و به قانون تبدیل کند. اما درباره دولت بعید است این دولت بعد از هفت سال بی‌توجهی در سال آخر به فکر اجرای آن بیفتد. تنها یک دولت جوان و مومن است که دغدغه اجرای چنین طرح سرنوشت‌سازی برای نجات آینده میهن را خواهد داشت. انتخاب یک دولت قوی در ۱۴۰۰ مقدمه نجات ایران خواهد بود.

سیاه‌تر از کرونا

مریم جعفری
پژوهشگر مرکز رشد بانوان دانشگاه امام‌صادق(ع)

«صدای ضربان قلبم، گوشم را پر کرده بود. دلم آشوب بود. هم خوشحال بودم و هم مضطرب. ورود به پایتخت ایران برای اولین‌بار!

از پلکان هواپیما پایین آمدم. زمانی که به در ورودی فرودگاه رسیدم، پرسنل فرودگاه با لبخندی شیرین، خوشامد می‌گفتند. مردمی که از کنارم عبور می‌کردند، واکنش‌های جذابی نسبت به من داشتند. عده‌ای تبسم ریزی بر لب و عده‌ای با زبان مادری‌ام به من سلام می‌کردند.»

آشنایی با یک دانشجوی ایرانی در یکی از ایالت‌های آمریکا، مقدمه اولین سفر تفریحی جنی به ایران شد.

تاکسی‌ای که از قبل توسط پریوش اجاره شده بود، جنی را از فرودگاه به یک هتل بین‌المللی رساند. جنی اولین شب خود را در تهران تجربه می‌کرد. خواب از چشمانش پریده بود. اتفاقات صبح تا غروب را مرور می‌کرد. فکر به روز بعد، ذوق عجیبی را برای او ایجاد می‌کرد. جنی قرار بود دوهفته‌ای در تهران بماند و با پریوش بعضی از بناهای تاریخی و جاذبه‌های گردشگری ایران را ببیند و کل هزینه سفر را هم، میهمان او بود.

گردشگری آغاز شده! موزه‌ها، آثار باستانی، کلیساها، مساجد، پارک‌ها و جنگل‌ها برای او جذاب بود. از همه جذاب‌تر، برخورد مردم ایران بود؛ مردمی که به او، نگاه تحقیرآمیز و توهین‌آمیز نداشتند. انگار برای اولین‌بار بود که در کشوری تا این حد مورد احترام و ابراز لطف قرار می‌گرفت. همه‌چیز برای او باورنکردنی بود. بعد از یک هفته که از سفر جنی گذشت، زمزمه بیماری عجیبی از ووهان چین به گوش‌ها رسید!

زندگی روال خودش را سپری می‌کرد. هر روز پریوش برنامه‌های هیجان‌انگیزی برای جنی طراحی می‌کرد. او با این کار می‌خواست لطف‌های جنی را در آمریکا جبران کند. بعد از دیدن اصفهان و یزد، سفر به ماسوله، رشت و... از برنامه‌های خاص پریوش بود. جنی به اصرار بهترین دوستش بلیت برگشت خود را به تعویق انداخت. سفر دوهفته‌ای او تبدیل به یک سفر هیجان‌انگیز یک‌ماهه شد. زندگی برای او مفهوم دیگری پیدا کرده بود. ازطرفی دلش برای پدر و مادرش تنگ شده بود و ازطرفی هم دلش نمی‌آمد که این سفر لذت‌بخش و خاطره‌انگیز را زود تمام کند.

در یک صبح دل‌انگیز در شهر رامسر، جنی با صدای جیک‌جیک گنجشک‌ها از خواب بیدار شد. چهره نگران پریوش که با دقت درحال تماشای اخبار تلویزیون بود، نظر جنی را جلب کرد. از روی تخت بلند شد و آرام کنار پریوش نشست. دلش گواهی به خبر بد می‌داد. چند دقیقه بیشتر نگذشت که پریوش دستان جنی را در دستش گرفت و خبر درگیرشدن بعضی از شهرهای ایران با بیماری کرونا را به او داد. جنی بدون هیچ صحبتی با پریوش، از جایش بلند شد. لپ‌تاپش را روشن و شروع به گرفتن بلیت برگشت کرد. پریوش به او نگاه می‌کرد و از چشم‌های پف‌کرده و موهای فرفری که روی سر جنی انگار موج‌سواری می‌کردند، ناخواسته خنده‌اش گرفت. سریع لبخندش را جمع کرد و تلاش کرد با صحبت، جنی را آرام کند.

در یک چشم برهم‌زدن ایران به دومین کشور درگیر کرونا تبدیل شد! بلیت‌ها کنسل شد! جنی هم پشت‌درهای بسته، مجبور به اقامت بلندمدت در تهران شد. سفر دل‌انگیز جای خود را با اضطراب و استرس عوض کرد.

بعد از مدتی کوتاه، کرونا تبدیل به فاجعه قرن شد و تمام کشورها را در برگرفت؛ ایتالیا، انگلستان، آمریکا و... آمار کشته‌شدگان و مبتلایان رو به افزایش گذاشته بود. گویا دنیا تجربه جدیدی را پشت‌سر می‌گذاشت. جنی به‌شدت ترسیده بود و مدام درحال تماس با خانواده و دوستانش بود.

«نگران بودم. می‌دانستم آماری که از آمریکا درحال پخش‌شدن است، بیشتر متعلق به رنگین‌پوست‌ها است. طی دوهفته، کار من فقط چک‌کردن اخبار و تماس با خانواده‌ام بود. از خواب و خوراک افتاده بودم. کمبود موادغذایی، ماسک، خدمات درمانی و صف‌های کیلومتری جلوی فروشگاه‌های زنجیره‌ای در آمریکا من را بیشتر مضطرب می‌کرد. پریوش مدام به جانم غر می‌زد که چرا خودم را این‌قدر اذیت می‌کنم. اما من هرکاری می‌کردم، نمی‌توانستم آرام بگیرم. ضعیف شده بودم. با اصرارهای پریوش برای مدتی به خانه آنها رفتم تا اینجوری خیال پریوش از من راحت باشد. چند روزی میهمان آنها بودم. در یکی از تماس‌هایم متوجه شدم پدر و مادرم کرونا گرفته‌اند. کلافه شده بودم. از خانه بیرون زدم و تا نیمه‌شب در خیابان‌ها می‌چرخیدم. این همه اتفاق در یک مدت کوتاه باورنکردنی بود. انگار کرونا با ما وارد مسابقه دو شده بود. همه‌چیز با سرعت اتفاق می‌افتاد. یک ویروس میکروسکوپی شبیه یک ارتش بزرگ به همه کشورهای دنیا حمله کرده بود و درحال کشتن مردم بود. یک هفته بعد بدترین و سخت‌ترین اتفاق زندگی‌ام را تجربه کردم. خبر فوت پدر و مادرم! ناگهان بدنم قفل شد. از کمر به پایین هیچ حسی نداشتم. مثل موجوداتی شده بودم که مهره و ستون‌فقرات نداشتند. بعد از چند ثانیه، خودم را دوتا می‌دیدم. یکی جسمم بود که بیهوش روی زمین افتاده و یکی خودم بودم که از بالا بر همه‌چیز مسلط بودم. پریوش را می‌دیدم که به سمت بدنم می‌دوید و فریاد می‌کشید. خودم حس لذت‌بخشی داشتم، حس عجیبی مثل آزاد شدن و رهاشدن. تنها اتفاقی که حس خوبم را خراب می‌کرد فریادها و ضجه‌های پریوش بود. چند دقیقه‌ای نگذشت که ناگهان از بالا مثل یک توپ به پایین پرت شدم. وقتی چشم باز کردم پریوش را بالای سرم دیدم که از خوشحالی جیغ می‌کشید. حس بدی داشتم. تمام تنم درد می‌کرد. پریوش با کمک پدرومادرش من را سوار ماشین کردند و به بیمارستان بردند. در تمام مسیر سرم روی پاهای قلمی و مثل چوب پریوش بود که مدام درگوشم زمزمه می‌کرد، جنی خوبی؟ وقتی به بیمارستان رسیدیم، من را با ویلچر به اورژانس بردند. بعد از چند آزمایش و معاینه، دکترها دستور دادند تا زمانی که جواب آزمایش‌ها نیامده است، من بستری شوم. بعد از یکی، دو روز جواب کیت من، مثبت شد. مارک کرونایی بودن بر پیشانی من هم خورد. پزشک کشیک گفت: «فعلا سه روز بستری می‌شوی. اگر بهتر شدی، مرخصت می‌کنیم ولی باید در خانه قرنطینه شوی تا دوره بیماری طی شود.»

من نگران خودم نبودم. بیشتر دلواپس بقیه اعضای خانواده‌ام و دوستانم در آمریکا بودم. در تماس‌هایم، خواهرم لیدا به‌شدت از سیستم درمانی و کمبودهای آمریکا گله می‌کرد. آنچه من در ایران می‌دیدم از کادر درمانی که با تمام قوا بدون هیچ تبعیضی بین پیر و جوان، سیاه و سفید، ایرانی و خارجی خدمت‌رسانی می‌کردند با آنچه خواهرم می‌گفت قابل مقایسه نبود. در ایالات‌متحده آمریکا همیشه فاصله زیادی بین سیاه‌پوست‌ها با سفیدپوست‌ها بود. بهترین امکانات درمانی، شغلی، امنیتی، اجتماعی و... برای سفیدپوستان بود. رنگ پوست در آمریکا یکی از مهم‌ترین مسائل درباره یک شخص است. شهروند آمریکایی اگر رنگ پوستش سفید باشد، راحت‌تر کار برایش پیدا می‌شود. احترام بیشتری به او گذاشته می‌شود. در دادگاه‌ها احتمال بیشتری وجود دارد که رای به‌نفع او داده شود و اگر زندانی شود با او بیشتر مدارا می‌شود. حقوق بیشتری نسبت به سایرین دارد و در مقایسه با رنگین‌پوستان، احتمال کمتری دارد که از گرسنگی بمیرد...»

لیدا به‌شدت عصبی بود. از پشت تلفن فریاد می‌کشید و گریه می‌کرد.

«جنی! خوش‌به‌حالت که آمریکا نیستی. اینجا وضعیت خیلی خراب است. خیلی از فامیل و دوست‌هامون درگیر شدن. نیستی که ببینی، نیواورلئان به چه شکلی درآمده. بیشترین آمار کشته‌ها برای ایالت ماست.»

«حرف‌های لیدا من را زیاد متعجب نمی‌کرد. می‌دانستم که چون بیشترین سیاه‌پوست‌های آمریکا در نیواورلئان زندگی می‌کنند، آن ایالت بالاترین آمار تلفات را دارد. شرایط خاص شغلی آنها باعث می‌شود که درمقابل این ویروس ضعیف‌تر باشند. زن و مرد سیاه‌پوست که هیچ تفاوتی با زن و مرد سفیدپوست ندارند، جزء رنگ پوست‌شان، مجبورند به شرایط شغلی سخت‌تری تن دهند. ساعت کاری بیشتر، مرخصی کمتر، حقوق کمتر، ایمنی کمتر، خدمات بیمه‌ای ضعیف‌تر و...! بیشتر کارهای خدماتی، کارگری کارخانه‌ها و حمل‌ونقل شهری را سیاه‌پوست‌ها انجام می‌دهند. در این شرایط، وضعیت زنان سیاه‌پوست به‌مراتب بدتر از مردان‌شان است. موقعیت اجتماعی پایین‌تر جرات تعرض به آنها را بیشتر کرده است. از یک طرف درآمد و خدمات درمانی کمتر، از طرف دیگر فشارهای زندگی، بیماری‌هایی مثل آسم، دیابت، فشارخون و مشکلات قلبی، همه‌وهمه دست به دست هم دادند تا سیاه‌پوست‌ها بیشتر از سفیدپوست‌ها مستعد این بیماری باشند. ورود کرونا یک درد دیگر به دردهای این مردم اضافه کرده است.

دلم می‌خواست به لیدا قوت‌قلب بدم ولی جز سکوت و شنیدن حرف‌هایش کار دیگری نکردم. درد تمام وجودم را گرفته بود. حالم بدتر شد، طوری که مجبور شدم به جای سه روز، یک هفته در بیمارستان بمانم. فشار دوری از خانواده، شنیدن درددل لیدا و اخبار ناگوار کرونا در آمریکا، جسمم را ضعیف‌تر کرده بود. چشم‌هایم را بستم. گذشته‌ام را مرور می‌کردم. پدرم، مادرم، لیدا و شهرمان! من و لیدا در یک خانه کوچک در نیواورلئان به‌دنیا آمدیم. پدر و مادرم، کارگرهای یک کارخانه تولید مواد شیمیایی در بیرون نیواورلئان بودند. با اینکه وضعیت مالی ما خوب نبود، اما آنها تمام تلاش خود را می‌کردند که من و لیدا سختی زندگی را حس نکنیم. دوران کودکی، بهترین دوران زندگی من بود. پدر و مادرم با سختی زیاد و کار شبانه‌روزی، هزینه تحصیل من و لیدا را فراهم کردند. لیدا سال اول دانشگاه، تصمیم گرفت کمک کار خانواده شود و تحصیل را رها کند. اما من که شیفته درس بودم، نتوانستم دانشگاه را رها کنم. لیدا از خودش گذشت تا من بتوانم بدون نگرانی به درسم ادامه دهم. با گذشت زمان، سختی‌ها و مشکلات پدر و مادرم را بیشتر درک می‌کردم. خس‌خس سینه پدر درکنار سرفه‌های شبانه مادر، خبر از شرایط سخت کار در کارخانه را می‌داد. نگاه به چهره خسته لیدا من را شرمنده می‌کرد. ۱۲ ساعت کار مداوم به‌عنوان صندوق‌دار یک فروشگاه زنجیره‌ای! انگار همه اعضای خانواده درحال تلاش بودند تا من بتوانم به تحصیل خود در دانشگاه نیویورک ادامه دهم. دانشگاه نیویورک! همان دانشگاهی که رابطه دوستی به‌یادماندنی من با پریوش، از آنجا شروع شد. با شنیدن صدای آرام و دلنشین پرستار به خودم آمدم. آنقدر غرق در خاطرات گذشته بودم که حضور او را، درکنار تختم متوجه نشده بودم. به زبان انگلیسی، به‌صورت دست‌وپا شکسته به من فهماند که می‌توانم مرخص شوم.

بعد از یک هفته بستری، بالاخره مرخص شدم. عید نوروز را در تهران کنار پریوش و خانواده‌اش گذراندم. به پریوش حسودیم می‌شد که در کشوری بود که بین سفید و سیاه هیچ تفاوتی نبود. زن‌ها بیشتر موردتوجه و احترام بودند. جذابیت‌های ظاهری آنها باعث نمی‌شد که با آنها شبیه یک کالا رفتار شود. فکر به لیدا اذیتم می‌کرد. می‌دانستم لیدا بیشتر از هر زمان دیگری، دوست دارد من کنارش باشم ولی حیف که امکانش نبود.

سایت‌های خبری آمریکا و تحلیل کارشناسان آنها من را به فکر فرو برده بود. خبر خانه سالمندان در آمریکا و مرگ ناجوانمردانه و غریبانه آنها، آمار مبتلایان و جان‌باختگان سیاه‌پوست‌ها که دوبرابر سفیدپوستان بود، تنها یک فرضیه را در ذهن من مطرح می‌کرد. گویا ترامپ قصد داشت جامعه خود را از دو گروه پاک کند؛ سالمندان و سیاه‌پوستان!

هیچ کاری از من جز دعا در آن شرایط برنمی‌آمد. دیدن خبرها و فیلم‌های ترامپ، درد من را دوچندان می‌کرد. دست‌دادن او با مردم، دروغ‌هایش درمورد کم‌اهمیت جلوه‌دادن این بیماری، مقاومتش درمقابل تعطیل کردن کسب‌وکارها، حرف‌های او درمورد پیشگیری از کرونا که مردم به خودشان آمپول‌های ضدعفونی بزنند و بی‌توجهی او به زنان باردار سیاه‌پوست نسبت به سفیدپوستان که به علت نبود خدمات درمانی هم خودشان از دست می‌رفتند و هم جان فرزندان‌شان به خطر می‌افتاد و...

آرزو داشتم در این شرایط کنار هم‌نژادهایم می‌بودم. اما چه کنم که راهی برای بازگشت نداشتم. تصمیم گرفتم به جای اینکه گوشه‌ای بنشینم و مدام نگاهم را به خبرها بدوزم و غمبرک بزنم، کاری کنم. شروع کردم به نوشتن واقعیت‌هایی درمورد عدالت نژادی و جنسیتی در سیستم درمانی آمریکا. کرونا روزگار مردم آمریکا را سیاه کرده است اما نه به سیاهی تبعیض‌نژادی که همیشه در آمریکا وجود داشته است.»

جنی بعد از تمام کردن مقاله‌اش، از طریق پریوش که دوستان خبرنگار زیادی داشت، مقاله را در سایت‌های خبری به چاپ رساند. جنی می‌دانست با نوشتن چنین مقاله‌ای، هنگام برگشتن به آمریکا مورد بازجویی سیستم امنیتی آنجا قرار می‌گیرد. با این وجود تمام خطرات این کار را به جان خرید و با پیشنهاد پریوش مقاله خود را در قالب یک داستان واقعی به چاپ رساند. جنی تصمیم خود را گرفته بود که این گونه صدای مظلومانه زنان و مردان سیاه‌پوست را به گوش مردم دنیا برساند: «صدای ضربان قلبم، گوش مرا پر کرده بود. دلم آشوب بود. هم خوشحال بودم و هم مضطرب. ورود به پایتخت ایران برای اولین‌بار!»